

حقوقی زبانی اقلیتها

حقوق زبانی مجموعه‌ی حقوقی است که شامل تمام آزادی‌های به کار بردن زبان مادری در تمامی عرصه‌های زندگی می‌شود که از آن جمله می‌توان به آزادی تکلم و نوشتار و مطبوعات و تدریس و تحصیل با زبان مادری اشاره نمود، لذا همه افراد حق دارند آزادانه و بدون تبعیض در فضایی عمومی و خصوصی به زبان خویش صحبت نمایند، در حقیقت «زبان وسیله و ابزار بیان میزان فضیلت است استفاده از زبان، ادراک انسان را غنی ساخته و او را قادر می‌سازد. تانقش فعالی در جامعه داشته باشد. و می‌تواند در جامعه بشر تفاهم کند. و بهتر وظایف خود را انجام دهد. ممنوع کردن گروه‌های نژادی از این نوع مشارکت فرهنگی، به محرومیت از آنها از فرهنگ منتهی می‌شود. متأسفانه در اثر اجرای سیاست‌های نژادی پرستانه فرهنگی توسط برخی دولت‌ها بسیار از زبانها و گویشها در اقصی نقاط از جهان از میان رفته است.» زبان‌شناسان پیش‌بینی می‌کنند. که بیش از 90 درصد از زبان‌های که در حال حاضر با آنها صحبت می‌شود تا آخر قرن 21 در اثر همین برخورد های فرهنگی نژاد پرستانه از بین خواهد رفت زبان‌های که تا هنوز از میان رفته از 4 تا 6 هزار تخمین زده می‌شود».¹ بعضی دولت‌ها برای گرفتن حق زبانی از مردم متوسل به انکار قابلیت زبانی یک قوم می‌شود. وبا گویش خواندن یا لهجه شمردن زبان اقوام خود را مکلف به حمایت از آن نمی‌دانند آنچه به نظر می‌رسد حقوق که بعنوان حقوق زبانی مطرح است قرار ذیل اند:

1- حق صحبت کردن به زبان مادری در روابط خصوصی بین اعضای گروه؛

¹عزیزی، ستار، حمایت از اقلیتها در حقوق بین‌الملل، نشر: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی، چاپ دوم، 1394، ص، 282.

2- حق استفاده از زبان مادری در عرصه‌های عمومی و نهاد اداری؛

3- حق آموزش و یادگیری زبان مادری؛

4- حق برخورداری از رسانه‌ها بزربان مادری.

حقوق‌های است که توسط اسنادی بین‌الملل برای اقلیت‌ها شناسایی و برسمیت شناخته شده اند که هرکدام این حقوق در گفتار جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار اول- حق صحبت کردن به زبان مادری در روابط خصوص بینی اعضا

حق استفاده از زبان مخصوص خود بدین معنا است که اقلیت‌ها آزاد باشند زبان خود را در همه ابعاد زندگی اجتماعی خود (روابط خصوصی، تجارت، مراسم دینی...) در رسانه‌ها و انتشارات خود و در آموزش، بکار ببرند.² تمام افراد این حق را دارا می‌باشند آزادانه و بدون تبعیض در فضایی عمومی و خصوصی، زبان خودشان را استفاده کنند، یادگیرند و انتقال دهند این حق به خوبی در حقوق بین‌المللی بشری تضمین شده و به عنوان حقوقی که ماهیت جمعی دارد تلقی می‌شود. ماده (27) میثاق حقوق مدنی و سیاسی چنین گفته اند: «در کشورهای که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و یازبانی وجود دارد، افرادی که متعلق به این اقلیت‌ها هستند را نباید از حق (تشکیل) اجتماعات با اعضای گروه خود و (نیز) بهره‌مندی از فرهنگ و اظهار انجام (فرايض) مذهبی و یا کاربردن زبان خودشان، محروم نمود.³» میثاق مزبور به صراحت از حق اقلیت‌ها به عدم انکار استفاده از زبان خود در ارتباط با دیگر گروه اشاره نموده است.

²ذوالعین، نادر، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، مجله تحقیقات، شماره ویژه، ص 17.

³ماده 27 میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد 1966.

اما، انکار این حق می تواند « تبعیض بر مبنای زبان تلقی گردد. کمیته حقوق بشر در قضیه شکایت نمایندگان قبیله‌ی «رهبوت باستر علیه نامیبیا» ممنوعیت استفاده از زبان محلی در اتباط مقامات اداری را ناقض ماده 26 (منع تبعیض) دانست. در این پرونده شاکیان از جمله مدعی بودند که حق آنها به استفاده از زبان مادری توسط مقامات دولتی در ادارات، محاکم دادگستری، نهاد های آموزشی و به صورت کلی در عرصه عمومی انکار شده است. دولت مرکزی طی بخشنامه‌ای به کارمندان خود دستور داده بود تا به مکاتبات و نامه های مردم که مخاطب به ادارات دولتی به زبان رسمی (انگلیسی) نبوده و به زبان محلی آفریقا نوشته شده است پاسخ ندهند. همچنین در این راستا تأکید شده بود که از پاسخ به مسایل اداری آن دسته از ارباب رجوعی که به زبان رسمی صحبت نمی‌کنند، خود داری گردد. این دستور حتی مکالمات تلفنی را نیز در بر می گرفت. کمیته دستور فوق الذکر را ناقض ماده 26 میثاق دانست زیرا این دستور عامدانه علیه افریقاییان وضع شده است. و مانع استفاده از زبان محلی آنها در ارتباط با مقامات عمومی شده است از این رو دولت نامیبیا را موظف به لغو آن نمود بر این اساس دولت عضو به موجب قسمت سوم بند الف ماده 2 میثاق موظف است که به کارمندان اجازه دهد در پاسخ به ارباب رجوع به شیوه‌ای غیر تبعیض آمیز به زبانهای غیر از زبان رسمی نیز صحبت نمایند و دولت موظف است که در آینده مانع از نقض تعهد خود گردد.»⁴ در نهایت باید گفت دولتهای که در قلمرو حاکمیت شان زبانهای مختلف وجود دارند، بایستی برای آنها آزادی عمل بدهند که تا آنان در مراوده بین خودشان به زبانی خودشان صحبت نمایند همچنین زبانی

⁴ عزیز، ستار، حمایت از اقلیتها در حقوق بین‌الملل، نشر: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی، چاپ دوم، 1394، ص 284.

اقلیت‌های موجود در قلمرو شان را محترم بی‌شمارند. این حق در اسناد متعدد بین‌المللی تأکیده شده اند.

گفتار دوم - حق استفاده از زبان مادری در عرصه عمومی و نهاد اداری

همه ابناء بشر حق دارند آزادانه و بدون تبعیض در فضایی عمومی و خصوصی وهم چنین حق دارند، در زمان ارجاع به پروسه داد رسی به محاکم به زبان مادری خویش صحبت نمایند. و این مهم یکی از حق‌های موضوعه بشری می‌باشند، که به زبان خویش صحبت نمایند، استفاده از زبان، ادراک انسان را غنی ساخته و او را قادر می‌سازد. تانقش فعالی در جامعه داشته باشد. و می‌تواند در جامعه بشر باهم تفاهم کند. و بهتر وظایف خود را انجام دهند.

توانایی اقلیت‌ها در برقراری تعامل با ادارات و نهاد های دولتی به زبان های اقلیت، تضمین می‌کند که آنها قادر به بیان دیدگاه شان هستند و می‌توانند در فرایند تصمیم گیری های ملی که آنها و مناطقی را که آنها زندگی می‌کند متأثر سازد، مشارکت کنند و تأثیر گذار باشند. در صورتی که اقلیت‌ها در سایه حاکمیت دولت که در آن زندگی می‌کنند چنین حق برای آنها وجود نداشته باشند آنها نمی‌توانند به زبانی دومی غیر از زبانی مادری خودشان با دیگران به درستی تعامل نمایند حق استفاده از زبان مادری در عرصه عمومی و اداری در اسناد معتد بین‌المللی برای اقلیت‌ها در چارچوب حقوقی داخلی دولت‌ها شناسایی شده است، از دولت‌های عضو خواسته شده اند چنین حق را برای اقلیت‌ها در قوانین داخلی شان برسمیت بی‌شناسند. اسناد بین‌المللی خاص مربوط به حمایت از اقلیت‌ها اقدام به توسعه ای حق اقلیت‌ها در استفاده از زبان مادری در مراجع اداری نموده از این رو، روساء و کارمندان مراجع اداری در مناطقی که محل سکونت گروه‌های اقلیت می‌باشد موظف شده اند تا تقاضای کتبی یا شفاهی ارباب رجوع در باب مسائل اداری را بپذیرند و پاسخ تقاضای مذکور را به همان زبان ارائه دهند.

بنابر این، «کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌ها ملی در بند 2 ماده 10 خود از دولت عضو می‌خواهد تا آنجا که ممکن است در مناطق که محل تمرکز و سکونت اقلیت‌هاست و در صورت تمایل آنها در روابط میان اشخاص و مقامات اداری از زبان گروه اقلیت استفاده شود»⁵.

اما، منشور اروپایی جلوتر از آن رفته اند و از دولت های عضو خواسته است «استفاده از زبان محلی در جلسات اداری واقع در محل سکونت گروه‌های اقلیت اجازه داده و یا حتی تشویق نمایند مشروط به آنکه این موضوع موجب حذف استفاده از زبان رسمی کشور در مناطق مذکور نگردد»⁶. در نهایت باید گفت گروه‌های اقلیت که در درون حاکمیت یک کشور زندگی می‌کند برای آنها از سوی اسناد بین‌المللی حق استفاده زبان مادری در عرصه‌ی عمومی و نهاد های دولتی به رسمیت شناخته شده است. لذا کارمندان دولتی در ادارات خود مکلف اند با اقلیت‌ها به زبان خاص اقلیت‌ها تکلم نمایند.

گفتار سوم - حق آموزش و یاد گیری زبانی مادری

حق آموزش به زبان مادری یک حق انسانی و حقوق بشری است که در اسناد و معاهدات حقوق بشری از جمله اعلامیه‌ی جهانی حقوق زبانی، منشور زبان مادری، اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، زبانی، مذهبی، کنوانسیون حقوق کودکان، منشور بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و... به آن تاکید شده است. زبان، نشان دهنده‌ی فرهنگ مردم است که به آن زبان صحبت می‌کنند، زبان نماینده‌ی هویت آنهاست. از این رو باور شکل می‌گیرد که «زبان» باگویندگان زنده است

⁵ عزیز، ستار، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، نشر: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ دوم، 1394، ص28

⁶ ابراهیم، بیگ زاده، غزال، مجد زاده، دولت مدرن، حقوق فرهنگی مردم بومی و اقلیت‌ها، ویژه نامه‌ی 8 شماره‌ی مجله تحقیقات حقوقی، ص18.

و زبان مادری که یکی از مولفه‌های اصلی هویت و کرامت انسانی است و داشتن و رشد و پرورش آن حق مسلم و طبیعی هر بشری شمرده می‌شود، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ انسانی و حق بشری پیدا می‌کند. به باور آگاهان حقوقی و زبان شناسان شناخت زبان مادری یکی از ملزومات انسانی است و هر انسانی برای شناخت خود و ریشه خود و نیز برای رشد خود باید با زبان مادری خویش نه تنها آشنا باشد، بلکه در شناخت و یادگیری آن بکوشد. به عبارت دیگر از منظر حقوق شهروندی از آنجایی که زبان مادری اولین ابزار ارتباط هر فرد با جهان بیرونی است و نیز نخستین ابزار بیان احساسات و عواطف و زبان اندیشیدن و آرزوهاست، آموزش به زبان مادری حق مسلم هر شهروند محسوب می‌شود. بدین جهت سازمان ملل متحد با تاکید بر این مهم در سال 1999، 21 فوریه را روز جهانی زبان مادری نام‌گذاری کرد و آاز سال 2000 به بعد این روز در سراسر جهان هرساله گرامی داشته می‌شود. هدف عمده یونسکو از نام گذاری چنین روزی بنام "روز جهانی زبان مادری" آنست که می‌خواهد اهمیت زبان مادری بیشتر مورد توجه قرار گیرد و هر انسانی حق داشته باشد که زبان مادری خود را از طریق مراکز و برنامه‌های تعلیمی فراگیرد

اعلامیه حقوق اقلیتها (1992) در فقره 3 ماده 4 خود بیان می‌دارد «کشورها باید، هرگاه امکان دارد اقدامات مناسب انجام دهند تا اشخاص متعلق به اقلیتها بتوانند فرصت‌های کافی برای یاد گرفتن زبان مادری خود یا آموزش دیدن به زبان مادری خود داشته باشد»⁷ بر اساس این ماده اقلیتها حق دارند زبان مادری شان را یاد بی‌گیرند و یاد بدهند.

⁷ اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، دینی و زبانی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه 47/135 مورخ 18 دسامبر 1992.

در حقیقت مانع شدن اقلیت‌ها از آموزش به زبان مادری شان منجر به نابودی زبانی آنها می‌شوند.

«در راستای تبعیت از اسناد فوق‌الذکر امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله آلبانی، اتریش، کرواسی، چک، فلاند، آلمان، ایتالیا، هلند، لهستان، رومانی، فدراسیون روسیه، اسلواکی، اسلوانی، استوونی، و جمهوریهای یوگسلاوی در کنار زبانی رسمی امکان آموزش زبان مادری برای گروههای اقلیت وجود دارد»⁸.

گفتار چهارم - حق برخورداری از رسانه‌ها به زبان مادری

یکی دیگر از حق‌های اقلیت‌ها حق داشتن رسانه به زبانی مادرشان می‌باشند برای جامعه اقلیت‌ها، حق برخورداری از رسانه به زبان و متناسب با هویت فرهنگی شان، دارای اهمیت به‌سزایی هستند. و وسیله‌ای حیاتی جهت حفظ و نگهداری انتقال فرهنگ‌های اقلیت‌ها تلقی می‌گردند. لذا هرگونه ممنوعیت و محدودیت غیر منطقی برحق اقلیت‌ها در برخورداری از رسانه‌های عمومی و خصوصی، نقض حقوق زبانی اقلیت‌ها تلقی می‌شوند.

براساس ماده 9 کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی، گروه‌های اقلیت زبانی در چارچوب نظام‌های ملی، حق استفاده از رسانه عمومی به زبان خود را دارند.» در این ماده آمده است. که اقلیت‌ها باید حق داشته باشند به زبان خود شان فیلم ببینند و از رادیو و تلویزیون استفاده کنند»⁹ لذا این حق از جمله شامل برخورداری از برنامه

⁸ عزیز، ستار، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، نشر: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ دوم، 1394، ص302.

⁹ لسانی، حسام الدین، جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشر (آخرین دستاوردها)، اندیشه حقوقی، سال اول، شماره سوم، بهار و تابستان 82، ص13.

های رادیو و تلویزیونی (از جمله پخش چند ساعت برنامه در رسانه های عمومی) و حق انتشار کتاب، و مجله می‌شود.

اما افزون ب رسند مزبور «منشور اروپایی زبانهای محلی و اقلیت» نیز از داشتن رسانه به زبانی مادری اقلیتها صحبت نموده اند. همچنین طبق ماده (11) منشور اروپایی به زبانی محلی و اقلیت دولتها متعهد گردیده اند تا امکان بر خورداری گروههای اقلیت خود استفاده از رسانه به زبان مادری را فراهم سازند که از جمله عبارت اند از:

«1- تأسیس حداقل یک شبکه‌ی رادیویی و تلویزیونی به زبان گروه اقلیت

2- تشویق افراد و در صورت لزوم آن ارائه‌ی تسهیلات لازم جهت انتشار حد اقل یک روزنامه به زبان محلی

3- حمایت از آموزش روزنامه نگاران و تولید کنندگان برنامه رادیو- تلویزیونی جهت انجام خدمات فوق الذکر».¹⁰ گروههای اقلیتی که در قلمرو یک کشور- دولت زندگی می‌کند حق دارند که به زبانی مادری شان اعم از رسانه چاپی، کانال تلویزیون، رادیو و... داشته باشند، چنین حق برای آنها در حقوق بین‌الملل شناسایی و برسمیت شناخته شدند این حق جهت حفظ فرهنگ آداب، زبان آنها می‌باشند. و از اهمیت به سزایی برخوردار است.

گفتار پنجم - حق نام های مناسب کودکان بر اساس سنت و فرهنگ

یکی دیگر از حق های گروههای اقلیت اینست. که اسامی فرزندان شان را به زبان خاص خود و طبق سنت و فرهنگ خودشان انتخاب کنند؛ و نباید چگونه محدودیت مانع اعمال

¹⁰ عزیز، ستار، حمایت از اقلیتها در حقوق بین‌الملل، نشر: موسسه مطالعات و

این حق باشند نامگذاری اقلیتها بایستی در نهادهای اداری چون اداره ثبت احوال و دیگر اسناد رسمی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. و این مهم یکی از حق‌های بشری گروه‌های اقلیت تلقی می‌شوند. در صورت که چنین حق از آنها سلب شوند نقض آشکار حق اقلیتها در برخورداری از زبان، فرهنگ و هویت شان می‌باشند. «حق کودکان به زبان مادری از سوی والدین با حفظ هویت و حیثیت ذاتی اشخاص متعلق به گروه‌های اقلیت، پیوند اساسی دارد. بنابراین دولت‌ها باید قوانینی جهت تضمین این حق در زمینه ثبت احوال وضع نمایند. دولت باید می‌بایست حق گروه‌های اقلیت در استفاده از زبان مادری و فونتیک مربوط در نامگذاری کودکان را بپذیرد. نام گذاری کودکان می‌بایست از سوی مقامات عمومی مورد شناسایی رسمی قرار گیرد. و از آن در اسناد رسمی استفاده شود.»¹¹

در این مورد اسناد متعدد بین‌الملل وجود دارند، این مهم را برای اقلیتها شناسایی نموده است مثلاً در ماده (11) کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی نیز از حق مزبور (حق نام‌های مناسب کودکان بر اساس سنت و فرهنگ گروه اقلیت) شناسایی به عمل آمده چنین اشعار می‌دارند: « دولت عضو متعهد می‌گردند که حق هر شخص متعلق به اقلیت‌های ملی برای استفاده از نام و نام خانوادگی بر اساس زبان مادری و شناسایی رسمی آنها با توجه به شیوه‌های مقرر در نظام‌های حقوقی شان پذیرفته شود»¹²

حق نام‌های مناسب کودکان بر اساس فرهنگ و سنت گروه‌های اقلیت در زمره حق‌های بشری گروه‌های اقلیت می‌باشند. همه اقلیتها حق دارند، که اسامی فرزندان خود را به زبان خوشان تعیین کنند و نباید محدودیت‌های ناموجهی مانع

¹¹ عزیز، ستار، حمایت از اقلیتها در حقوق بین‌الملل، نشر: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ دوم، 1394، ص 322.

¹² ابراهیم، بیگ زاده، غزال، مجدزاده، دولت مدرن، حقوق فرهنگی مردم بومی و اقلیتها، ویژه نامه‌ی 8 شماره مجله تحقیقات حقوقی، ص 15.

اعمال این حق قرار گیرند، نام گذاری اقلیتها باید در اداره ثبت احوال نفوس و دیگر اسناد رسمی مورد شناسایی قرار گیرد. در صورت این برای اقلیتها وجود نداشته باشند تبعیض بر مبنی حقوق زبانی گروههای اقلیتها تلقی می شوند.

گفتار ششم - حقوق مذهبی اقلیتها

اقلیت‌های مذهبی عبارت از « گروه‌های هستند که مذهب آنها به عنوان مذهبی رسمی یک کشور شناخته نشده یا اکثریت مردم به آن نپیوسته است، همچنان باید گفت مذهبی اقلیت در یک کشور به عنوان مذهبی رسمی کشور نمی‌باشند. به عنوان مذهب رسمی کشور انتخاب نگردیده اند پیروان آن نباید از حقوقی مذهبی شان محروم نمود».¹³ لذا، هرکس باید بتواند آزاد و بدون ممانعت، معتقدات یادین خود را نشان دهد شخص می تواند معتقدات یا دین خود را به صورت فردی یا گروهی علنی یا مخفی و به شکل عبادت کردن، رعایت آداب و آموزه‌های دینی، تکرار آداب، و مناسک دینی و تعلیم عقیده و دین ابراز کنند.

مفهوم عبادت شامل تشریفات و مراسم دینی نیز می‌شود که رابطه مستقیمی با ابراز عقیده دارند هم چنین مفهوم عبادت کارهای را نیز شامل می‌شود که از تشریفات و مراسم دینی جدا ناپذیرند. مانند ساختن جایی برای عبادت و استفاده از او را وسایل عبادی را به نمایش در آوردن سمبلها و نمادها و رخصتی در تعطیلات دینی رعایت آداب و آموزه‌های دین یا عقیده صرفاً کارهای انجام شده در مراسم دینی در بر نمی‌گیرد. بلکه رسوم و دستوراتی مانند پرهیز در خوردن

¹³ قاسیم، زمانی، حمایت از اقلیتها در اسناد جهانی حقوق بشر، پژوهش حقوق و

و آشامیدن، پوشیدن لباسهای ویژه و... را شامل می شوند».¹⁴

میثاق حقوق مدنی سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر حق آزادی فکر، وجدان، و مذهب را مورد توجه قرار داده است و آن را شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، نیز آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به صورت فردی یا جمعی، علنی یا در خفا در عبادت و اجرای آداب و اعمال تعلیمات مذهبی خود دانسته است. طبعاً این آزادی ایجاب می‌کند که هیچ کس مورد اکراهی واقع نشود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات وی لطمه وارد آورد. حقوق برشمرده در این ماده برخی جنبه فردی و برخی جنبه گروهی دارد از آنجا که از آزادی فکر، وجدان و مذهب، انتخاب آزاد، عمل به شعایر مذهبی به صورت فردی سخن گفته می‌شود، حمایت فردی مطرح است ولی حمایت گروهی شامل اجرای مشترک فرایض مذهبی، اداره امور مذهبی، آموزش امور مذهبی می‌باشند».¹⁵

در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده (18) چنین آمده است: «هر کس حق دارد که از آزادی عقیده، وجدان و دین بهره مند شود. این حق متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشند و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً و مجتمعاً، به طوری خصوصی یا به طوری عمومی برخوردار باشند.»¹⁶ افزون بر این در میثاق حقوق مدنی سیاسی نیز از این حق، سخن گفته شده اند و بیان می‌دارند: «1- هر کس حق آزادی عقیده، وجدان و دین دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک دین یا

¹⁴ نوری، عبد العزیز، حقوق بشر، ناشر: انتشارات دانشگاه کاتب، چاپ اول، 1394، ص، 174.

¹⁵ همان، ص،

¹⁶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد سال 1948.

معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز دین یا معتقدات خود، خواه به طوری فردی یا جمعی، خواه به طوری علنی یا درخفا، در عبادات و اجرای آداب و اعمال تعلیمات دینی است 2- هیچ کس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک دین یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد سازد. 3- آزادی ابراز دین یا معتقدات را نمی توان تابع محدودیت های نمود آنچه منحصرأً به موجب قانون پیش بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق آزادی های اساسی دیگران ضرورت داشته باشند...»¹⁷.

هرچند در گذشته هیچگاه اقلیت های دینی و مذهبی از حقوق خاص خوشان بهره نمی شد و همواره در تبعیض زندگی می کردند، و در سیر تاریخ افت خیز های زیادی را دیده اند وضعیت فعلی رسیده اند اما امروزه در حقوق بشر معاصر «حق بر آزادی عقیده و دین یکی از محورترین حقوقی است که برای محافظت از کرامت انسانی فرد و ایجاد جهانی صلح آمیز و امن طرح شده است، تلاش برای تدوین حق آزادی دین و عقیده با فعالیت کمیسیون حقوق بشر آغاز شد و نتیجه آن ماده 18 اعلامیه جهانی حقوق بشر بود که بر اهمیت این حق تأکید می کرد بعد از آن مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق حقوق مدنی و سیاسی را در سال 1966 به تصویب رساند و با پذیرش حق آزادی دین و عقیده در میثاق، رعایت این حق را الزامی کرد. با ادامه کار مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه محو تمام اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا عقیده در سال 1981 پذیرفته شد و جنبه های مختلف حق آزادی دین و عقیده مشخص تر شد.¹⁸

¹⁷ کنوایسون حقوق مدنی سیاسی مصوب مجمع عمومی 1966.

¹⁸ نوری، عبدالعزیز، حقوق بشر، ناشر: انتشارات دانشگاه کاتب، چاپ اول، 1394،

لذا اکنون حقوق دینی و مذهبی به صورت کلی برای همه ابنایی بشری و به صورت خاص برای اقلیت‌های دینی و مذهبی توسط اسناد زیادی بین‌المللی مورد حمایت جهانی قرار گرفته است و اقلیت‌های که مذهب‌شان بنا به دلایل مذهبی رسمی دولت‌شان قرار نگرفته آنها حق دارند از حقوق خاص دینی و مذهبی خویش بهره مند گردند. البته باید گفت که حقوق دینی و مذهبی یک حق مطلق نیست یعنی همواره برای آنها نخواهد وجود داشت دارای حالت استثنای هستند. و می‌توان آن را در شرایط خاص محدود نمود. مشروط بر اینکه قانونی و عادلانه باشند. چنانچه «در آسیا و افریقا آزادی عقیده و ایمان مشروط به حدود و موازینی است که قوانین در جهت حفظ نظم عمومی برقرار کرده اند. مثلاً دولت اجازه نخواهد داد که اجرایی مراسم مذهبی اقلیت‌ها، احساسات اکثریت مردم را جریحه دار کند»¹⁹

گفتار هفتم - حق تعیین سرنوشت اقلیت‌ها

حق تعیین سرنوشت «حق مردم به تعیین تقدیر و سرنوشت خود به طوری فردی و جمعی است. در عمل این حق به مردم اجازه می‌دهد، تا وضعیت سیاسی، ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش را رقم بزنند. و توانا به تعیین نوع و محتوایی ساختار حقوقی و سیاسی کشور خود باشند».²⁰ حق تعیین سرنوشت به اقلیت‌ها حق می‌دهد. در قلمرو حاکمیت دولت که زندگی می‌کند بی‌توانند سرنوشت‌شان را رقم زنند. بنابراین در حقوق بین‌الملل حق تعیین سرنوشت اقلیت‌ها جواز برجدایی از سرزمین دولت مرکزی نیست بلکه برای آنان اجازه می‌دهد تا در حاکمیت دولت زندگی می‌کنند، حق داشته باشند به زبان مادری‌شان صحبت نموده و به دین و مذهب خود باقی

¹⁹ شریعت پناهی، سید ابوالفضل قاضی، بایسته های حقوق اساسی، تهران، چاپ اول،

1387، ص، 148.

²⁰ خسروی، حسن، حقوق اساسی، نشر دانشگاه پیام نور، چاپ اول، تهران 1388 ص 29

بماند فرایض دینی و مذهبی خود را به گونه آزاد و بدون ارعاب انجام دهند

اما این حق ها تا قبل از جنگ جهانی اول، برای اقلیتها وجود نداشت. آنها اغلب از تبعیض علیه خود رنج می بردند. و تنها شماری اندکی قانون و معاهده در جهت حفظ برابری و حمایت از آنها مبنی بر آزاد گذاشتن ایشان در دنباله روی از آداب، سنن و مذهب شان وجود داشت. پس از جنگ جهانی اول از حقوق اقلیتها در پاره ای از کشورها - کشورهای جدید التاسیس، کشور های که قلمرو سرزمینی آنها افزایش یافته بود. و کشورهای شکست خورده (به استثنای آلمان) - حمایت به عمل آمد، این حمایت یا در پی انعقاد یک معاهده چند جانبه یا دوجانبه و یا در آستانه پذیرش کشوری به عضویت جامعه ملل به وقوع می پیوست یک سازو کار نظارتی مرتبط با جامعه ملل نیز به دنبال این تحولات ایجاد گردید و در برخی از کشورها، نه تنها به اقلیتها اجازه داده شد که از حقوق اساسی برای حفظ هویت خود بر خوردار باشند، بلکه نوعی خود مختاری شخصی جهت حفظ شاخص های فرهنگی نیز به آنها داده شد²¹

با جود این، اسناد های که از سوی کشورها برای تحقق و حفظ حقوق اقلیتها بوجود آمده بود. آنان به تنهایی نتوانست به چنین اهداف برسند باگذشت زمان طرفداران حقوق اقلیتها متوجه شده اند بر اساس قوانین موضوعه و اسناد حقوق بشری موجود حقوق اقلیتها تأمین نمی شوند. و آنان از جامعه جهانی در این راستا خواست توجه بیشتری را به عمل آورن. که در نتیجه این تلاش ها باعث شد که جامعه جهانی دوباره توجه خود را معطوف ساخت و در این مورد اسناد متعدد را به تصویب رساند از میان میتوان به میثاق

²¹امیدی، علی، قبض و بسط مفهومی حق تعیین سرنوشت در حقوق بین الملل، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره سی و پنجم، 1385، ص، 17.

بین‌المللی (1966) اشاره نمود و در مواد (27) آن چنین تذکر یافته است: «در کشورهای که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، افرادی که متعلق به این اقلیت‌ها هستند را نباید از حق (تشکیل) اجتماعات با اعضای گروه خود و (نیز) بهره مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرايض) مذهبی و یا کار برد زبان خودشان محروم نمود»²²

مفاد ماد مزبور در این است که در کشورهای که اقلیت‌های زبانی، مذهبی و قومی زندگی می‌کنند برای تک تک آنان چنین حق را قایل شد که آنها به صورت جمعی با سایر افراد گروه خود شان از فرهنگ خاص خود بر خور دار شوند. و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند. یا زبان خود را استعمال نمایند، و کشورها چنین فضا را بایستی در قوانین شان بگنجانند. لذا این امر ضمانت اجرای خوبی برای تحقق و حفظ حقوق گروه‌های اقلیت در داخل یک کشور می شوند.

گفتار هشتم - اهمیت حقوق اقلیت‌ها

امروزه تقریباً هیچ کشور یافت نخواهد شد که به لحاظ فرهنگی، زبانی، مذهبی و نژادی از جمعیت کثیر و یک دست را دارا باشند، امروزه ملت یک کشور متشکل از مجموع اقلیت‌ها می‌باشند. و آنان خواستار حفظ هویت شان است، که هر کدام به اساس فرهنگی، مذهب زبان و سنن خودشان زندگی کنند. «اعلامیه حقوق اقلیت‌ها و افراد متعلق به این اقلیت‌ها، کنوانسیون 1995 شورای اروپا در خصوص حقوق اقلیت‌های ملی با گزارش کمیته کارشناسان کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در مورد حقوق اقلیت‌ها، سند 19190 کپنهاک در مورد مشارکت موثر اقلیت‌ها ملی در حیات سیاسی و اعلامیه پیشنهاد کمیسیون امریکایی حقوق بشر در مورد حقوق مردما بومی همه گواه بر آن است که جامعه جهانی اصرار دارد بر آنکه اقلیت‌ها حق

²² میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد 1966.

دارند، از هویت شان حمایت شود و حق دارند که فرصت مشارکت موثر در حمایت سیاسی، اقتصادی دولتهایشان را برای توسعه فرهنگ، زبان، مذهب، سنتها و آدابشان داشته بانند.²³ چنین حق برای آنان در اسنادی حقوقی بشر بین‌المللی برسمیت شناخته شده. و حمایت نهاد های بین‌المللی را به همراه دارد. و از سوی دیگر کشورها کمتر به رعایت چنین حق برای اقلیت در قلمرو حاکمیت شان است. چنانچه تاریخ شاهد بر این امر است در گذشته چنین حق برای آنها وجود نداشتند و اقلیتها در گشته مورد حمایت نبودند. و از تبعیض علیه خودشان رنج می برد مورد استبداد حاکمان مستبد قرار می‌گرفتند حق تعیین سرنوشت اقلیتها که حفظ هویت فرهنگی، زبانی نژادی و دینی مذهبی می‌باشند، از جمله حق‌های بشری آنان می‌باشند. از این رو که حقوق اقلیتها حایز اهمیت است از یک سو کمک به تأمین حقوق بشرآنان می‌کند و از سوی دیگر موجب حفظ هویت آنها در حقوق می شوند. زمانیکه اقلیتها بتواند به اساس فرهنگی شان زندگی کنند و به زبان شان در اجتماع صحبت کند، و فرایض دینی ومذهبی خود را انجام بدهد در آینده دراز مدت از هویت و فرهنگ آن حفاظت می شوند در صورت که حقوق اقلیت وجود نداشته باشند دولتها چنین حقوق را برای اقلیت اعطا نخواهد کرد و به زود ترین وقت هویت فرهنگی، زبانی و نژادی آنان از بین خواهد رفت چنانچه شاهد از بین رفتن زبان های زیادی در جهان هستیم.

²³خوان خرازیان، مهناز، تحول حق تعیین سرنوشت در چارچوب ملل متحد، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی وامور مجلس ریاست جمهوری،